

نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت

دکتر فریبا شایگان^۱

تاریخ وصول: ۸۸/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲۵

چکیده

پلیس برای انجام دادن رسالت خطیر خود که همانا تأمین امنیت اعضای جامعه است نیاز به مشارکت و همکاری مردمی دارد. مقاله حاضر که منتج از تحقیقی در همین زمینه است، به بررسی نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردمی می پردازد. در بخش نظری با بهره گیری از تئوری‌ها و تدوین ۴ فرضیه و در بخش تجربی به روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه محقق ساخته و حجم نمونه ۴۵ نفر از رؤسای کلانتری‌های تهران بزرگ، اطلاعات لازم جمع آوری شد. نتایج تحقیق نشان داد که میزان همکاری مردم با پلیس از دید پاسخگویان در حد متوسط و سرمایه اجتماعی پلیس به میزان زیاد است. با اثبات چهار فرضیه تحقیق مشخص شد که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت‌های محل، همکاری پلیس با مردم خصوصاً در ساعات غیراداری و میزان احترامی که مردم بر پلیس می گذارند، همگی تأثیر بسزایی در افزایش همکاری مردم با پلیس دارد و همبستگی ۰/۸۸ بین متغیرها و $R^2 = ۰/۷۷$ تأییدکننده آماری این رابطه است. پیشنهاد تحقیق، تلاش در جهت افزایش سرمایه اجتماعی پلیس و ایجاد زمینه احترام بیشتر مردم به پلیس است.

واژگان کلیدی: پلیس، سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت، نظم امنیت.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی



مقدمه

پلیس متولی اصلی تأمین یکی از مهمترین نیازهای افراد جامعه یعنی امنیت است. نیاز به امنیت بر هیچ کس پوشیده نیست و از مهمترین دغدغه‌های بشر از آغاز خلقت بوده است. این نیاز همچنان ادامه دارد و روز به روز بر شدت و کیفیت آن افزوده می‌گردد. با پیچیده تر شدن زندگی مدرن و دستیابی بیشتر انسان‌ها به رفاه اجتماعی و اقتصادی و برخورداری از امکانات بیشتر زندگی، این نیاز هم وسعت یافته و بدست آوردن و حفظ امنیت دشوارتر و تخصصی‌تر می‌گردد.

اگر زمانی وظیفه پلیس تأمین امنیت جانی و مالی مردم از دست سارقان بود، امروزه تأمین امنیت جانی افراد از دست خودشان و اقداماتی که علیه خود هم انجام می‌دهند، (مانند رانندگی ناصحیح، رعایت نکردن قوانین و مقررات، استفاده از مواد مخدر و...) جزء وظایف پلیس محسوب می‌شود.

با افزایش دامنه خطرات تهدیدکننده و جرائم و تخلفات، این موضوع هم آشکار می‌شود که قطعاً پلیس به تنهایی نمی‌تواند از عهده تأمین و حفظ امنیت مردم برآید؛ هرچند در این زمینه استفاده از امکانات و تکنولوژی‌های پیشرفته می‌تواند یاریگر پلیس باشد ولی به هر حال محدودیت‌های موجود و کمبود نیروی پلیس نسبت به سطح زیر پوشش امنیت، نیازمند بهره‌گیری از سایر روش‌ها و خصوصاً مساعدت نهادهای مردمی و از آن مهمتر نیاز به مشارکت مردم در حفظ امنیت خود و جامعه است. با همکاری مردم در تأمین امنیت، هم سطح تخلفات پایین آمده و امنیت افزایش می‌یابد، مردم احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و انتظارات و توقعات آنان از پلیس افزایش نمی‌یابد و هم پلیس با بهره‌گیری از همکاری‌ها، اطلاعات و امکاناتی که مردم در اختیار آنان می‌گذارند می‌تواند بهتر به وظیفه خود عمل کرده و امنیت جامعه را تأمین کند.

آمادگی مردم برای مشارکت با پلیس و همکاری آنها در تأمین امنیت، به عوامل متعددی نیاز دارد که یکی از این عوامل می‌تواند میزان سرمایه اجتماعی پلیس باشد. اگرچه وجود سرمایه اجتماعی بالا بین مردم هم یکی از لوازم اصلی این همکاری است ولی آنچه در این مقاله مدنظر است تأثیر سرمایه اجتماعی پلیس بر جلب همکاری و مشارکت مردمی

است؛ زیرا سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی افراد محسوب می شود و باعث تسهیل در کنش آنان می گردد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴). به نظر می رسد که پلیس با داشتن سرمایه اجتماعی که به نظر استون^۱ شبکه ای از روابط اجتماعی است که توسط هنجارهایی از اعتماد و عمل متقابل ایجاد شده و به نفع دوطرفه منجر می شود (استون، ۲۰۰۱: ۲) هم می تواند در ارتباط سازمانی و بین اعضای پلیس موفق شود، هم در کنش متقابل با مردم موفق تر عمل کند.

مقاله حاضر با استفاده از منابع و نظریه های علمی و انجام یک تحقیق عملی، قصد دارد موضوع را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که سرمایه اجتماعی پلیس چه نقشی در جلب مشارکت مردمی در جهت برقراری نظم و امنیت دارد؟

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی

تعاریف متعدد از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، از جمله «استون» سرمایه اجتماعی را شبکه ای از روابط اجتماعی می داند که توسط هنجارهایی از اعتماد و عمل متقابل ایجاد شده و به نفع دوطرفه منجر می شود (استون، ۲۰۰۷: ۲).

سرمایه اجتماعی پلیس با سؤالاتی درخصوص میزان ارتباط و تعامل پلیس با اقوام، همسایگان و همکاران، کمک به دیگران و مشارکت در امور محل با ۹ گویه در سطح ترتیبی مورد سؤال قرار گرفت.

مشارکت

به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف شده است (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷). از منظر جامعه شناختی مشارکت نوعی فرآیند تعاملی چندسویه است. به نظر «سالیما عمر»، مشارکت مداخله و نظارت مردم

1. Stone



و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، بالا خواهد برد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۲).

به نظر «آلموند»^۱ و «پاول»^۲ فعالیت‌های مشارکت جویانه^۳ آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها روی سیاست گذاری اعمال نفوذ کند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

در این تحقیق مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت با سؤالاتی از پلیس در مورد میزان همکاری مردم در دستگیری مجرمان، دادن اطلاعات و اخبار مجرمان به پلیس، رعایت مقررات و مشارکت در طرح‌های پلیس محله و... است که با ۴ گویه در سطح ترتیبی پرسیده شده است.

همکاری پلیس با مردم

در امور محله و روزمره آنها و نیز ارتباط شخصی با آنها با کمک پلیس به مردم در ساعات غیر اداری و رفع مشکلات و گرفتاری‌های آنها با سه گویه در سطح ترتیبی سنجیده شد.

حضور پلیس در فعالیت‌های اجتماعی

محل خدمت در زمان خارج از ساعات اداری با سؤالاتی در مورد مشارکت پلیس در نمازجماعت مسجد محل، خرید برای منزل از مغازه‌های محل، رفتن به پارک محل. مشارکت در برنامه‌ها محلی مانند افتتاحیه‌ها، عزاداری‌ها، جشن‌های مذهبی و سخنرانی در مدارس محل با ۴ گویه در سطح ترتیبی سنجیده شد.

احترام مردم به پلیس

با گویه‌هایی در مورد میزان احترام اهالی محل به پلیس، تخفیف دادن به هنگام خرید پلیس، دیگران نوبت خود را به پلیس دادن و دریافت هدیه و گل در هفته نیروی انتظامی در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

-
1. Almond
 2. Powel
 3. Prticipation Active

تحقیقات پیشین

تحقیقی تحت عنوان «مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا» توسط دکتر حمید انصاریان در سال ۱۳۷۹ به سفارش معاونت اجتماعی ناجا انجام شد. تحقیق به روش پیمایشی و با حجم نمونه ۴۲۰ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران، ۲۰۰ نفر از روستاهای اطراف تهران و ۲۱۰ نفر از پرسنل نیروی انتظامی تهران صورت گرفت. نتایج نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان تابع احساس امنیت آنان، احساس رضایت از عملکرد ناجا و میزان اعتماد اجتماعی آنان می‌باشد، یعنی هرچه احساس امنیت مردم بیشتر، احساس رضایت آنان از عملکرد ناجا بالاتر و اعتماد اجتماعی خودشان بیشتر باشد، مشارکت آنها در فعالیت‌های ناجا و همکاری با آنان بیشتر می‌شود. این تحقیق همچنین نشان داد آموزشهای ناجا در این امر تأثیر زیادی داشته است (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶: ۴۱۹-۳۹۷).

مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی تحقیق دیگری است که در شهر شیکاگو به روش آزمایشی انجام گرفته و با هدف بررسی نقش مردم در مراقبت‌های پلیسی همگانی، دو ناحیه انتظامی تقریباً مشابه در شهر شیکاگو انتخاب که در یک ناحیه مدل مراقبت پلیس همگانی اجرا و در ناحیه دیگر (ناحیه کنترل) این طرح اجرا نشد. بعد از گذشت ۱۲ ماه از اجرای این طرح از مردم هر ناحیه مصاحبه تلفنی صورت گرفت و نتایج نشان داد که آگاهی از فرصت‌ها برای مشارکت تفاوت معناداری با نواحی که این طرح اجرا نشده داشته و این آگاهی از طریق میتینگ‌ها و برنامه‌های خاصی که پلیس در این ۱۲ ماه اجرا کرده بود بدست آمده بود، لیکن سطوح مشارکت سازمان یافته در این نواحی تفاوت معناداری با ناحیه‌ای که این برنامه‌ها در آن اجرا نشده بود، نداشت و تغییر چندانی نکرده بود. حتی نتایج نشان داد که متأسفانه ایجاد این فرصت‌ها برای ارتباط غیر رسمی با پلیس و مشارکت در برنامه‌ها از نظر نتیجه بیشتر تفرقه انگیز بود تا انسجام بخش (اسکوگان، ۱۳۸۶: ۷۴۱-۷۲۱).



مبانی نظری

سرمایه اجتماعی

موضوع سرمایه اجتماعی امروزه یکی از بحثهای مهم و مطرح به عنوان عامل تأثیرگذار بر جنبه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. پاتنام برای مطالعه دموکراسی و جامعه مدنی از سرمایه اجتماعی شروع می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰)، کلمن رشد تحصیلی دانش آموزان را به این متغیر مرتبط می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷). فوکویاما علت فروپاشی خانواده‌ها و گسترش جرم و جنایت و خودکشی را کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۲) و در بسیاری از تحلیل‌های رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار مورد توجه قرار می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی بالا در جامعه موجب آسایش و آرامش افراد، ایجاد امنیت در جامعه و در بعد اقتصادی ایجاد رفاه و همیاری اقتصادی، افزایش مشارکت سیاسی و اعتماد به مسئولین، دوام و استحکام خانواده و رواج ارزش‌های اجتماعی مثبت و همکاری و اطمینان می‌شود و بالعکس نبود سرمایه اجتماعی موجب رواج جو بی‌اعتمادی، فردگرایی و خودخواهی، عدم توجه به دیگران و عدم روحیه همکاری و یاری، رشد انحرافات اجتماعی و فروپاشی خانواده‌ها و امثال آن می‌گردد. لذا توجه به آن، چگونگی شکل‌گیری و یا کاهش سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر این روند می‌تواند ما را در شناخت بهتر این عامل مهم و جلوگیری از فرسایش آن و روش‌های باز تولید و حفظ آن یاری رساند (شایگان، ۱۳۸۷).

برای سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است. بوردیو^۱ سرمایه اجتماعی را مجموع منابع بالقوه و بالفعلی می‌داند که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و عضویت آنها در گروه است (فیلد^۲، ۲۰۰۳: ۱۵). پاتنام^۳ می‌گوید منظور از سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که

1. Bordio
2. Field
3. Putnam



می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).
فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجارهای غیر رسمی می‌داند که همکاری میان دو یا چند نفر
را ارتقا می‌بخشد (فوکویاما، ۱۳۸۲: ۹).

اگرچه تعاریف سرمایه اجتماعی ممکن است متفاوت به نظر برسد؛ ولی وجه مشترک
همه آنها این است که سرمایه اجتماعی را محصول کنش متقابل و مداوم بین افراد می‌دانند
که زمینه را برای دستیابی به اهداف کنشگران مهیا می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی منابع
بالقوه‌ای است که افراد در مواقع لازم می‌توانند آن را به صورت قدرت، ثروت، منزلت و
اعتبار اجتماعی در آورده و در جهت اهداف خود به کار گیرند.

عموماً سرمایه اجتماعی محصول فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگری صورت
گرفته است. به عنوان مثال برخی برای رضای خداوند به دیگران کمک می‌کنند؛ ولی نتیجه
همین عمل دریافت کمک دیگران زمان گرفتاری، اما ممکن است برخی از اوقات هم
سرمایه اجتماعی نتیجه مستقیم سرمایه گذاری برای همین کار باشد. مثلاً شخصی با دیگران
ارتباط زیاد برقرار می‌کند، به آنها کمک می‌کند تا در آینده از رأی آنها برای انتخاب
شدن بهره‌مند گردد. کارنر^۱ معتقد است سرمایه اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا برای
رسیدن به اهدافشان موفق‌تر باشند و با این سرمایه بتوانند به شغل خوب، کسب اطلاعات
لازم، کسب پایگاه و موقعیت اجتماعی بالاتر یا استخدام زود هنگام دست یابند. وی سرمایه
اجتماعی را کلمه مناسبی برای توجه به منافع فردی و خانوادگی ناشی از جامعه‌پذیری و
معاشرت با دیگران می‌داند (کارنر، ۲۰۰۰: ۳۷-۲۶).

سرمایه اجتماعی پلیس و جلب مشارکت مردمی

کلمن در بررسی ویژگی‌های روابط اجتماعی که می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی برای
افراد تشکیل دهند به شش مورد اشاره دارد: تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات،
هنجارها و ضمانت‌های اجرایی تأثیرگذار، روابط اقتدار، سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر

1. Karner



و سازمان‌های تعمدی (کارنر، ۲۰۰۰: ۲۶-۳۸) که به توضیح هر کدام در رابطه با پلیس می‌پردازیم:

۱- تعهدات و انتظارات

اگر A کاری را برای B انجام دهد با اعتماد به اینکه B در آینده جبران می‌کند، این امر انتظاری را در A و تعهدی را در B ایجاد می‌کند و مانند برگه اعتباری در دست A است. در جامعه‌ای که وابستگی مردم به یکدیگر زیاد است همیشه در دست مردم تعداد زیادی از این برگه‌های اعتباری وجود دارد. کنشگران عقلانی همیشه سعی می‌کنند تعداد زیادی از این برگه‌های اعتباری داشته باشند تا در زمان نیاز از آن استفاده کنند. دو عامل مهم در این شکل از سرمایه اجتماعی عبارتند از میزان در خور اعتماد بودن محیط اجتماعی، یعنی اعتماد به باز پرداخت تعهدات و دیگری میزان واقعی تعهداتی است که بر عهده گرفته می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۶).

زمانی که پلیس کمک‌های بلاعوض برای مردم انجام می‌دهد و حتی در زمان غیرکاری به مردم و همسایه خود کمک می‌کند و راهنمایی‌های لازم را به صورت رایگان به آنها می‌دهد، در واقع برگه‌های اعتباری است که در دست دارد و سرمایه‌ای است که برای خود جمع کرده است هرچه تعداد این افراد در پلیس بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی پلیس هم روز به روز افزون می‌گردد.

۲- روابط اقتدار

هم نوعی سرمایه اجتماعی است که کنشگران حقوق کنترل کنش‌های معینی را به کنشگر دیگر واگذار می‌کنند. مثلاً مردم قدرت خود را به نمایندگان، رئیس‌جمهور یا پلیس می‌دهند و آنها را از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار می‌کنند. این امر قدرت زیادی به آنها می‌دهد (همان).

پلیس با داشتن این قدرت و اقتدار و استفاده منطقی و قانونی از قدرت خود می‌تواند به نفع جامعه و مردم استفاده کرده و همکاری رضایت مردم را جلب کند.

ظرفیت بالقوه اطلاعات

افرادی که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند می‌توانند اطلاعات لازم را به طور رایگان و با صرف هزینه زمانی بسیار کمتری کسب کنند. افراد برای کنش نیاز به اطلاعات دارند، اما به دست آوردن اطلاعات، پرهزینه است. یکی از وسایلی که از طریق آن اطلاعات ممکن است کسب شود استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگر حفظ می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۴).

پلیس برای شناسایی مجرمین و مقابله به جرائم نیاز به اطلاعات مفید مردم دارد و اگر ارتباط خوب و مثبتی با مردم داشته و امکاناتی چون شماره تلفن‌های خاص یا صندوق پستی و... در اختیار آنان قرار دهد، می‌تواند این اطلاعات را بدون صرف هزینه زیاد به دست آورده و از آن در راه تأمین امنیت شهروندان بهره بگیرد.

۴- هنجارها

می‌تواند شکلی از سرمایه اجتماعی باشد. هنجارهای مؤثر افراد را وادار می‌کند برای منافع عموم فعالیت کنند. کلمن می‌گوید هنجاری که شکل به ویژه مهم سرمایه اجتماعی را در درون جمع تشکیل می‌دهد هنجاری است که فرد باید منافع شخصی را رها کند و به سود جمع عمل کند. هنجاری از اینگونه که با حمایت اجتماعی، پایگاه، احترام و پاداش‌های دیگر تقویت می‌شود سرمایه اجتماعی است که ملت‌های جدید را می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۷).

ذات وظیفه پلیسی از خودگذشتگی برای دیگران است و هرچه این امر یعنی گذشتن از منافع شخصی به خاطر مردم بیشتر نمایان شود و مردم بیشتر نسبت به این موضوع آگاهی پیدا کنند، سرمایه اجتماعی پلیس هم افزایش می‌یابد.

۵- سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر و داوطلبانه

شکلی از سرمایه اجتماعی هستند که کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. مثلاً سازمان‌های محلی می‌توانند در آشنایی افراد محل با یکدیگر و کمک به هم در مواقع نیاز مؤثر باشند.



به طور کلی سازمان‌هایی وجود دارند که برای مجموعه‌ای از هدف‌ها به وجود آمده، ولی در کنار آنها اهداف دیگر استفاده‌کنندگان را نیز تأمین می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۸).

افراد پلیس می‌توانند با شرکت در سازمان‌های داوطلبانه‌ای که مجاز به شرکت در آنها هستند، مانند انجمن اولیا و مربیان مدارس فرزندانشان، هیئت‌های مذهبی محل خود یا مشارکت فعال در مساجد محل این بخش از سرمایه اجتماعی خود را نیز تقویت کنند.

۶- همبستگی بیشتر با مردم

کلمن از این ویژگی تحت عنوان فرو بستگی یاد کرده و می‌نویسد: «در سیستم‌هایی که افراد به یکدیگر وابستگی بیشتری دارند، سرمایه اجتماعی بیشتر است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۸)». بنابراین هرچه پلیس بتواند بیشتر با مردم ارتباط داشته باشد، در جمع آنها حضور داشته باشد، در مشکلات و گرفتاری‌ها به آنها کمک کند سرمایه اجتماعی خود را بیشتر کرده است.

۷- آموزش

فوکویاما معتقد است تنها حوزه‌ای که دولت می‌تواند به طور مستقیم و به میزان زیاد بر سرمایه اجتماعی تأثیر بگذارد آموزش و پرورش است، زیرا به این طریق می‌توان سرمایه اجتماعی را در قالب هنجارها و قوانین اجتماعی به افراد منتقل کند (فوکویاما، ۱۳۸۲: ۹).

پلیس با آموزش‌هایی که به شیوه‌های مختلف به مردم می‌دهد خصوصاً آموزش‌هایی که از طریق رسانه‌های تصویری می‌دهد می‌تواند بیشترین تأثیر را بر آگاهی مردم و افزایش سرمایه اجتماعی خود داشته باشد.

۸- خصوصی سازی

«فوکویاما^۱ می‌گوید دولت‌ها با در دست گرفتن فعالیت‌هایی که بهتر است در اختیار بخش خصوصی یا جامعه مدنی باشد، بر سرمایه اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارند. اگر دولت مشغول ساماندهی تمام امور شود، مردم به دولت وابسته می‌شوند و قابلیت همکاری با یکدیگر را از دست می‌دهند (فوکویاما، ۱۳۸۲: ۹). بر این اساس یکی از راههای افزایش سرمایه اجتماعی

1. Fokooyama



واگذاری برخی از امور و خدمات پلیسی به بخش خصوصی است. به این طریق هم از مسؤولیتهای پلیس کاسته شده و با حجم کاری کمتری مواجه می‌شود و می‌تواند دقت و سرعت بیشتری از خود نشان دهد، مردم مسؤول تمام امور و مشکلات احتمالی را به پلیس ربط نداده و با شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی طرف می‌شوند و اعتمادشان به پلیس کم نمی‌شود.

عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی توسط پلیس

«رابرت دال^۱» به عواملی اشاره دارد که بر مشارکت مردم تأثیر مستقیم دارد و در صورت بروز و تحقق آنها مشارکت ظهور خواهد کرد. این عوامل عبارتند:

- ۱- فرد مشارکت‌کننده باید برای پاداش‌های حاصل از مشارکت ارزشی بالایی قایل باشد.
 - ۲- مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیزم‌ها موثرتر بداند.
 - ۳- نسبت به دستیابی به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد.
 - ۴- برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
 - ۵- در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند، زیرا وقتی فرد از فعالیتی انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را تحمل کند ولی وقتی که ببیند یا معتقد باشد که پاداش‌ها ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارند کافی است معمولی‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مایوس و از عمل کردن باز دارد (دال، ۱۳۶۴: ۴۰-۳۵).
- برای دستیابی افراد مشارکت‌کننده به اهداف فوق و در نتیجه اقدام به مشارکت، لازم است پلیس به عنوان نیرویی که خواهان مشارکت مردمی در امر برقراری امنیت است اقدامات زیر را انجام دهد:

1. Rabert dall



۱- اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی

اگر افراد نسبت به عملی اطلاع و آگاهی کافی نداشته باشند و هدف از کار و نتیجه‌ای که حاصل خواهد شد را ندانند قطعاً کمتر اقدام به مشارکت می‌کنند. لذا لازم است پلیس با آموزش‌های عمومی و اطلاع‌رسانی همگانی آگاهی لازم را به مردم بدهد تا مشارکت بیشتر شود.

۲- مشخص کردن وظایف و مسئولیت‌ها

شناخت مسئولیت‌ها و تکلیف‌های اجتماعی، انسانی و دینی عامل دیگری برای حضور و مشارکت مردمی است، پلیس باید مسئولیت مسلمانان و آحاد جامعه را در مقابله با جرائم و ناامنی اجتماعی به‌خوبی تشریح کند؛ زیرا با درک الزامات قانونی، عرفی و شرعی و شناخت پیامدهای بی‌اعتنایی و عدم اقدام، افراد بیشتر احساس مسئولیت کرده و مشارکت بالاتری خواهند داشت. البته باید برای افراد مشارکت‌کننده حدود و حیطه وظایف و مسئولیت‌ها هم آشکار شود.

۳- برانگیختن وجدان اخلاقی و اجتماعی

یکی دیگر از عوامل جلب مشارکت مختلف اجتماعی، احیا، تقویت و تحریک حساسیت‌های «وجدان اخلاقی و اجتماعی» است. با این کار افراد با وجدان بیدار و تعصب دینی و اجتماعی به‌مقابله با رذایل و ناهنجاریهای اجتماعی برمی‌خیزند (نماینان و جلالی، ۱۳۸۶: ۷۹۷-۷۹۳).

۴- ایجاد انگیزه در افراد

«کلندرمن^۱» معتقد است فقط آگاهی‌دادن کافی نیست بلکه باید افراد را برای کنش بسیج کرد. او سه انگیزه را مطرح می‌کند: انگیزه‌های هدف، انگیزه‌های اجتماعی و انگیزه‌های پاداش. کلندرمن انگیزه‌های اجتماعی را در قالب واکنش «دیگران مهم» به عمل مشارکت، می‌بیند و انگیزه‌های هدف و پاداش را در قالب اعتقاد به مشارکت و توجه به هزینه‌ها و فواید مشارکت در نظر می‌گیرد.

1. Kelenderman

براین اساس باید انگیزه‌های مشارکت را در افراد تقویت و پاداش مشارکت را بیشتر از هزینه‌های مشارکت کرد.

۵- پاداش به مشارکت

براساس نظریه مبادله، پلیس باید با دادن پاداش‌های خاصی به افراد مشارکت‌کننده آنها را تشویق به مشارکت کند و هزینه‌های مشارکت را برای آنها حتی الامکان کم کند. در غیر این صورت افراد با محاسبه عقلی تن به مشارکت نمی‌دهند.

۶- الگوسازی

روش دیگری برای جلب مشارکت مردم است که با نمایش الگوهای مثبت و مورد قبول مردم و مشارکت آنها با پلیس (مانند استادان دانشگاهها یا افراد مقبول) مشارکت بیشتر می‌شود.

براساس نظریه‌ها ذکر شده، چند فرضیه استخراج و با جامعه آماری محدودی مورد آزمون قرار دادیم تا علاوه بر بحث نظری، شواهد تجربی هم برای موضوع حاصل گردد. فرضیات مورد نظر عبارتند:

- هرچه سرمایه اجتماعی پلیس بیشتر، مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت بیشتر.
- هرچه همکاری پلیس با مردم بیشتر، مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت بیشتر.
- هرچه حضور پلیس در محل بیشتر، مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت بیشتر.
- هرچه احترام مردم به پلیس بیشتر، مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت بیشتر.

روش تحقیق

روش تحقیق پیمایشی و ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بوده. جامعه آماری رؤسای کلاتری‌های شهر تهران است که برای نمونه ۴۵ نفر آنان مورد مطالعه قرار گرفتند.



روایی و پایایی

برای افزایش روایی ابزار تحقیق، فرضیات از دل تئوری استخراج و مفاهیم با استفاده از منابع معتبر تعریف نظری و عملیاتی گردید. برای سنجش پایایی تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که با حذف دو گویه غیر مرتبط، پرسشنامه با آلفای ۰/۸۵ تأیید گردید.

نتایج تحقیق

نتایج تحقیق در سه بخش توصیف پاسخگویان، توصیف متغیرها و آزمون فرضیات ارائه می شود.

توصیف پاسخگویان

پاسخگویان همگی مرد با میانگین سنی ۳۱ سال بودند. حداکثر سن آنها ۵۰ سال. تحصیلات ۲۰ درصد پاسخگویان دیپلم، ۴۲ درصد فوق دیپلم و ۷ درصد فوق لیسانس بوده است.

توصیف متغیرها

میزان همکاری مردم با پلیس در برقراری نظم و امنیت متغیر وابسته تحقیق بود که با چهارگویه سنجیده شده بود. جمع گویه ها نشان داد که ۳۱ درصد پاسخگویان معتقدند مردم به میزان زیادی با پلیس همکاری می کنند، همین درصد هم معتقدند که همکاری پلیس با مردم کم است، ولی ۳۸ درصد معتقدند مردم در حد متوسط با پلیس همکاری می کنند.

سرمایه اجتماعی پلیس مهم ترین متغیر مستقل تحقیق بود که با ۹ گویه سنجیده شد. نتیجه جمع گویه ها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد سرمایه اجتماعی پلیس

ردیف	سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد
۱	زیاد	۱۹	۴۲/۲
۲	متوسط	۱۰	۲۲/۲
۳	کم	۱۶	۳۵/۶
۴	جمع	۴۵	۱۰۰

براساس جدول فوق ۴۲/۲ درصد پلیس‌های پاسخگو به سؤالات سرمایه اجتماعی بالا، ۲۲/۲ درصد در حد متوسط و ۳۵/۶ درصد سرمایه اجتماعی کم داشتند. اگرچه تعداد پلیس‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند قابل توجه است، ولی باید تلاش در جهت افزایش سرمایه اجتماعی پلیس شود؛ زیرا وجود این سرمایه نتایج بسیار مثبتی برای فرد، سازمان و جامعه دارد.

۴۲/۲ درصد پاسخگویان معتقدند احترام مردم به پلیس در حد متوسط است، ۲۴/۴ درصد این احترام را در حد زیاد و مابقی آن را کم دانسته‌اند.

۴۹ درصد پلیس پاسخگو به سؤالات حضور خود در محل را در حد متوسط، ۲۴/۴ درصد در حد زیاد و ۲۶/۶ درصد در حد کم دانسته‌اند.

۴۰ درصد پلیس‌های پاسخگو، همکاری خود را با مردم در خارج از ساعات اداری و مشارکت در امور محلی منطقه خود را در حد متوسط، ۳۱ درصد به میزان زیاد و ۲۹ درصد این همکاری را کم دانسته‌اند.

آزمون فرضیات

تحقیق دارای چهار فرضیه بود که فرضیه اصلی رابطه سرمایه اجتماعی پلیس با همکاری مردم با پلیس در جهت برقراری نظم و امنیت بود. جدول ۲ این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. درصد رابطه سرمایه اجتماعی پلیس و همکاری مردم با پلیس

ردیف	سرمایه اجتماعی		
	کم	متوسط	زیاد
۱	۶/۳	۳۰/۰	۵۲/۶
۲	۳۱/۳	۴۰/۰	۴۷/۴
۳	۶۲/۵	۳۰/۰	۰
۴	۱۶	۱۰	۱۹
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

Gamma = ۰/۷۶ Sig = ۰/۰۰۰



نتایج جدول نشان می‌دهد که همبستگی بالای $\text{Gamma} = 0.76$ بین میزان سرمایه اجتماعی پلیس و همکاری با او وجود دارد و این رابطه در سطح بالایی معنادار می‌باشد. یعنی هرچه میزان سرمایه اجتماعی پلیس بیشتر باشد و تعامل بهتر و بیشتری با مردم داشته باشد، مردم هم با او همکاری بیشتری دارند. در واقع سرمایه اجتماعی بالقوه است که در زمان‌های نیاز تبدیل به سایر انواع سرمایه می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق رابطه بین همکاری پلیس با مردم و همکاری متقابل مردم با پلیس در زمینه برقراری نظم و امنیت بود که نتایج آن در جدول صفحه بعد آمده است.

جدول ۳. درصد رابطه همکاری پلیس با مردم و همکاری متقابل مردم با پلیس

ردیف	همکاری پلیس با مردم		کم
	زیاد	متوسط	
۱	زیاد	۴۵/۵	۱۶/۷
۲	متوسط	۵۴/۵	۱۸/۳
۳	کم	۰	۷۵/۰
۴	جمع	۱۱	۱۲
		%۱۰۰	%۱۰۰

$$\text{Gamma} = 0.62 \quad \text{Sig} = 0.000$$

همبستگی $\text{Gamma} = 0.62$ بین همکاری مردم با پلیس و همکاری متقابل مردم با پلیس با سطح معناداری بالا تأییدکننده فرضیه دوم تحقیق می‌باشد. این رابطه نشان می‌دهد که اگر پلیس همکاری خوبی با مردم حتی در ساعات غیراداری داشته باشد، مردم هم متقابلاً جواب مثبت داده و در برقراری نظم و امنیت با پلیس سهیم شده و همکاری می‌کنند.

فرضیه سوم تحقیق رابطه حضور پلیس در محل (اعم از زندگی در آن محل، به مسجد رفتن، خرید کردن و...) و همکاری مردم با او را مطرح کرد که نتایج در جدول زیر می‌آید.

جدول ۴. درصد رابطه حضور پلیس در محل و همکاری مردم با پلیس

ردیف	حضور پلیس		همکاری با پلیس
	زیاد	متوسط	
۱	۳۷/۵	۴۰/۹	زیاد
۲	۶۲/۵	۳۶/۴	متوسط
۳	۰	۲۲/۷	کم
۴	۸	۲۲	جمع
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

Gamma = ۰/۵۱ Sig = ۰/۰۰۲

نتایج فوق نشان می‌دهد که همبستگی بین حضور پلیس در فعالیت‌های محل با همکاری مردم با پلیس (Gamma = ۰/۵۱) است که در سطح بالایی معنادار است. اگر حضور پلیس در محل ملموس باشد و مشارکت فعالی داشته باشد، علاوه بر روابط رسمی، روابط غیررسمی و صمیمانه با پلیس هم ایجاد می‌شود و اثر مثبتی بر همکاری مردم با پلیس دارد.

فرضیه چهارم به بررسی رابطه میزان احترامی که پلیس از مردم دریافت می‌کند و همکاری مردم با پلیس بود که جدول زیر نشان دهنده آن است.

جدول ۵. درصد رابطه میزان احترام مردم به پلیس و همکاری مردم با پلیس

ردیف	احترام به پلیس		همکاری با پلیس
	زیاد	متوسط	
۱	۸۱/۸	۲۶/۳	زیاد
۲	۱۸/۲	۶۳/۲	متوسط
۳	۰	۱۰/۵	کم
۴	۱۱	۱۹	جمع
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

Gamma = ۰/۹۳ Sig = ۰/۰۰۰



همبستگی بسیار بالای ($\text{Gamma} = ۰/۹۳$) نشان می‌دهد که تقریباً تمام کسانی که شاهد احترام مردم به پلیس هستند، همکاری خوبی هم از سوی مردم در زمینه برقراری نظم و امنیت به دست می‌آورند. در واقع اگر نگرش مردم نسبت به پلیس مثبت باشد و برای او احترام قائل باشند، در زمان‌های لازم هم با پلیس همکاری می‌کنند. معادله رگرسیونی متغیرهای فوق با همبستگی بسیار بالا ($R = ۰/۸۸$) و ضریب تعیین $R^2 = ۰/۷۷$ نشان داد که متغیرهای مناسبی برای تأثیرگذاری بر جلب همکاری مردم انتخاب شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اطلاعات بدست آمده از ۴۵ نفر پلیس شاغل در کلانتری‌ها به‌عنوان نمونه برای تست رابطه سرمایه‌اجتماعی و همکاری مردم با پلیس در برقراری نظم و امنیت نشان داد که از نظر پاسخگویان همکاری مردم با پلیس در حد متوسط است، سرمایه‌اجتماعی پلیس‌های پاسخگو نسبتاً زیاد است ($۴۲/۲$ درصد زیاد، $۲۲/۲$ درصد متوسط و ۳۶ درصد کم)، احترام مردم به پلیس در حد متوسط، حضور پلیس در فعالیت‌های محل در خارج از ساعات اداری در حد متوسط و نیز همکاری پلیس با مردم در غیرساعات اداری در حد متوسط است. چهار فرضیه مورد مطالعه با همبستگی بالایی تأیید گردیدند و مشخص شد که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور او در محل، همکاری او با مردم و نیز کسب احترام از طرف مردم همگی می‌تواند موجب افزایش همکاری مردم با پلیس در جهت برقراری نظم و امنیت شود.

در کل چنانچه در مبانی نظری مطرح شد، در تعامل دوجانبه اجتماعی هر آنچه پلیس هزینه کند و با مردم رابطه صمیمی و همکاری بیشتری داشته باشد، پاداش مثبت گرفته و مردم هم با او تعامل مناسب انجام می‌دهند. همکاری مردم با پلیس امری نیست که با دستور بخشنامه یا تقاضا صورت گیرد، بلکه مردم به طرف مقابل نگاه می‌کنند، هرچه پلیس بیشتر با آنها ارتباط داشته باشد و به آنها اعتماد کند و در زندگی عادی خود به‌عنوان یک پلیس با مردم مشارکت داشته باشد، قطعاً روابط مردم هم با او صمیمانه و با میل و رغبت خواهد شد و در نهایت نتیجه مثبتی برای جامعه در ایجاد نظم و امنیت دارد. پلیس باید بداند که

برقراری نظم و امنیت برای جامعه‌ای گسترده، مستلزم همکاری همه جانبه مردم است و برای جلب این همکاری باید از هیچ کوششی دریغ نرزد.

پیشنهادها

براساس نتایج تحقیق، برای جلب همکاری بیشتر مردم پیشنهادهای زیر آورده می‌شود:

۱- پلیس باید در جهت افزایش سرمایه اجتماعی خود، بکوشد و مسؤولین ناجا هم باید زمینه را برای این امر فراهم کنند؛ زیرا افزایش سرمایه اجتماعی پلیس، هم به نفع زندگی فردی، هم سازمان و هم جامعه است و می‌تواند جلب همکاری مردم را به دنبال داشته باشد.

۲- پیشنهاد می‌شود که رؤسای کلانتری‌ها در منطقه محل خدمت خود زندگی کنند تا بدین وسیله حضور آنها و خانواده‌شان در جامعه ملموس تر و برقراری رابطه بیشتر مقدور گردد.

۳- به پلیس‌ها آموزش داده شود که خدمت به خلق فقط در قالب رسمی و اداری صورت نگیرد، بلکه در ساعات غیر اداری هم این احساس را داشته و در هر شرایط و زمان و مکانی که از عهده آنها برآید به مردم خدمت کنند. نتیجه این اقدام علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی، موجب کسب رضایت خداوند و افزایش اعتبار پلیس می‌شود.

۴- سازمان تلاش مضاعفی در افزایش وجهه و اعتبار پلیس در جامعه داشته باشد تا شخصیت پلیس، شخصیتی قابل احترام برای مردم بشود؛ زیرا هرچه میزان احترام به پلیس در جامعه افزایش یابد، همکاری مردم هم با او بیشتر می‌شود.

منابع فارسی

آلموند، اف جی و پارول، جی. (۱۳۸۰). مشارکت و حضور سیاسی شهروندان. ترجمه: علیرضا طیب. فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۶۴-۱۶۳. تهران: نشر اطلاعات.

اسکوگان، و سلی جی. (۱۳۷۶). مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی. کتاب سال امنیت اجتماعی. ترجمه: ابراهیم مسعودنیا، تهران. نشر آشنایی.



- اوکلی، پیتر و دیوید مارسون. (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه: منصور محمودنژاد. تهران: جهاد سازندگی.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنتهای مدرن*. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- دال، رابرت. (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*. ترجمه: حسین ظفریان. تهران: شایگان، فریبا (۱۳۸۷). *دین و سرمایه اجتماعی، نقش جلسات خانگی مذهبی در افزایش سرمایه اجتماعی*. مجموعه مقالات اولین همایش انسجام محله‌ای در حفظ سرمایه‌های اجتماعی. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۸.
- غفاریان، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی مشارکت*. تهران: نزدیک.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- کرامتی، مهدی و ملتفت، حسین. (۱۳۸۶). *کتاب سال امنیت اجتماعی*. تهران: نشر آشنایی.
- کلنن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- نماین، پیمان و جلالی، محمود. (۱۳۸۶). *امنیت عمومی در پرتو مشارکت مردمی*. کتاب سال امنیت اجتماعی، تهران: نشر آشنایی.

منابع لاتین

- Field, John. (2003) *social Capital*. London & New York. Rutledge.
- Greeley, Andrew. (2002) *Coleman Revisited, Religious Structures as a Source of Social Capital*. From. www. Google. Com.
- Karner, Tracy. X. (2004) *Social Capital in Encyclopedia of sociology*, second Edition.
- Stone, Wendy & Jody, Hughes. (2007) *The Nature & distribution of Social Capital: Initial findings of the Families, Social capital & citizenship Survey*. Australian Institution of Family Studies.
- Taylor, Fraser and Mackenzie, Fiona. (1992) *Development from Within in Rural Africa*, London; Rutledge.